



تأملی بر حکمت شمس تبریزی به مناسبت سالروز بزرگداشت او

هنرندیدن عیب

راهکار شمس برای «رهایی از رنج داوری»

حکمت ایرانی

فرهنگ اشافی

مولاناپژوه

ما معمولاً جهان را نه چنان که هست، بلکه چنان که می بینیم، تجربه می کنیم. بخش مهمی از رنج ما نیز ناشی از همین جنس مواجهه با جهان است؛ از عادتِی که چشم را به جست‌وجوی عیب، نقصی و نادرستی در دیگری می کشاند. شمس تبریزی اما در برابر این عادت، نوع دیگری از دیدن را پیش می گذارد؛ دیدنی که در آن، حتی در میانه زشتی، امکان دیدن زیبایی از میان نمی رود. راهکار او دعوتی است به بازاندیشی در سازوکار داوری ما درباره آدم‌ها و جهان. شمس معتقد است رهایی از رنج داوری، از طریق اصلاح همه امور جهان میسر نیست و تنها با اصلاح شیوه نگاه‌مان ممکن می شود. یادداشت پیش رو، به مناسبت سالروز بزرگداشت شمس تبریزی (۷ مهرماه) این دیدگاه را به تأمل گذاشته است.

صبح‌ها وقتی پسرَم را می‌رسانم مدرسه، بعد از آن می‌روم پارک جنگلی شیان. قبلاً ماشین را بیرون مجموعه می‌گذاشتم اما چند وقتی است به سبب سالم و احوال‌پرسی با نگهبان جلوی در، اجازه می‌دهد ماشین را همان ورودی بعد از کیت، مقابل زمین آسفالت‌ه دیمیتون پارک کنم. شیان از در استقلال دو راه ورود دارد؛ یکی مستقیم در دپرس من است که عموماً همان را پیاده‌روی تند می‌کنم و پس از طی دومین پیچ در راه آسفالت‌ه از میان درختان زیبای کاج، دیگر همان ورودی دیگر از سمت راست زمین باقی جانوران خبری نیست اما امروز صدای اتومبیل‌های بیرون می‌آید اما چون شیب تندتری دارد، احساس ورزشکار بودن بیشتری حاصل می‌شود و خیس عرق می‌شوم. تا لانشه سگ گرفتم ورزشکارانه‌تر رفتار کنم و مسیر شیب‌دارتر را انتخاب کردم.

که بی هیچ نوری به سمت بالا خیره مانده است. سعی می‌کنم به سرعت از کنار آن پیکری جان رد شوم اما هنوز کاملاً از آن سگ فاصله نگرفته‌ام که چشمم به دندان‌هایش می‌افتد، چه سپید است و زیبا. شمس در مقالات می‌گوید: شیخ بر مرداری گذر کرد، همه دست‌ها بر بینی نهاده بودند و رو می‌گردانیدند و به شتاب می‌گذشتند. شیخ نه بینی گرفت، نه روی گردانید، نه گام نیز برداشت. گفتند چه می‌نکری؟ گفت: «آن دندان‌هایش چه سپیدست و خوب!»

حکایت بالا، ماجرای حضرت عیسی است که همراه با حواریونش از گذری عبور می‌کردند و با لانشه سگی روبه‌رو شدند و همراهان دست‌ها بر بینی نهادند و رو گردانیدند و به شتاب گذشتند؛ اما عیسی مسیح نه بینی گرفت، نه روی گردانید و نه گام نیز کرد و نگاهش بر زیبایی آن منظره متوقف ماند و دندان‌های سپید و خوب سگ را میان آن همه زشتی دید.

در واقع آنچه عیسی انجام داد با مدل همه ما متفاوت بود. مدل رفتاری

عیسی چنین بود: منظره زشتی دید، روپیش را از آن صحنه برنگردانید، به جای گله و انتقاد و شکوه و شکایت سعی کرد توجهش را بر زیبایی‌ها معطوف دارد، گویی اصلاً هیچ زشتی ندیده است.

عیب دیگری، آینه ما می‌شود

شمس می‌گوید: «خود مردم نیک را نظر بر عیب کی باشد؟» یعنی مطابق تقریر او «مردم نیک» با هر تعریفی که می‌شود از «نیکمردی» داشت هیچ‌گاه نظر بر عیب ندارند. اما این جمله چه معنایی دارد؟ وقتی من در یک شخص هیچ عیبی پیدا نمی‌کنم چه معنایی دارد؟ او «بی‌عیب» است یا عیب‌هایی دارد که برای من معلوم نشده است؟ او نمی‌تواند «بی‌عیب» باشد چون اولاً گل بی‌خار وجود ندارد، ثانیاً ممکن است شخصی دیگر عیب یا عیب‌هایی از او استخراج کرده باشد.

پس سؤال ما را به این ترتیب مطرح کنم: چرا عیب‌های برخی برای من معلوم می‌شود و عیب‌های دیگری خیر؟ یا چرا آن کس که من هیچ

از اصلاح دیگری تا مسابقه با خویشتن

در واقع آن کس که وجودش را پر از عیب و ایراد می‌بینم و از راهایش دچار رنج‌های کوچک و بزرگ می‌شوم، بیشتر می‌تواند به من درس‌آموزی داشته باشد. برای سلامت روانم هم بهتر است گله نکردن از دیگران و سعی بر اصلاح و مسابقه با خود. شمس تا جای جلمو می‌رود که نه تنها نظر بر عیب دیگران ندارد، بلکه برای منتقدین و طاعنت خود دعا هم می‌کند. شمس می‌گوید: «من خوی دارم که جهودان را دعا کنم، گویم که خداهش هدایت دهد. آن را که مرادشام دهد، دعا می‌گویم که خدایا او را از این دشنام دادن بهتر و خوش‌تر کاری بده تا عوض این، تسبیحی گوید و تهلیلی، مشغول عالم حق شود.»



برش



آن را در دیگری می‌بینی می‌رسی و می‌رنجی. پس بدان که از خود می‌رسی و می‌رنجی. آدمی را از گرو و دنبل خود فرخی نباید. دست مجروح در آتش می‌کند و به انگشت خود می‌لیسد و هیچ از آن، دلش برهم نمی‌رود، چون بر دیگری، اندک دنبلِ یا نیم ریشی ببیند، آن آتش او را نفازد و نگوارد.

همچنین اخلاق بد، چون گره‌است و دنبل‌هاست. چون در اوست از آن نمی‌رنجد و بر دیگری چون اندکی از آن ببیند، برنجد و نفرت گیرد. همچنان که تو از او می‌رسی، او را نیز معذور می‌دار، اگر از تو برمد و برنجد. رنج تو عذر اوست، زیرا رنج تو از دیدن آن است و او نیز همان می‌بیند که: الْفُؤْمُنُ مِرْآةُ الْفُؤْمَنِ. نگفت که: الْكَافِرُ مِرْآةُ الْكَافِرِ زیرا که کافرانه آن است که مرآت نیست، الا آن است که از مرآت خود خبر ندارد.

آیا نگاه مولانا در فیه ما فیه با نگاه شمس در مقالات تفاوت دارد؟ شمس می‌گوید: «مرد نیک را نظر بر عیب نیست» و مولانا می‌گوید اگر در برابر خود عیبی ببینی آن عیب در توست که در او می‌بینی چون عالم همچون آینه است. پس گوهر پیام هردو یکی است. نظر بر عیب نباید داشتن و اگر در دیگری عیبی سراغ گرفتی آن عیب توست که در او می‌بینی. پس می‌توان سؤال ابتدای مقاله را مجدداً صورت‌بندی کرد.

اگر من در دیگری عیبی نمی‌بینم چون سنخ روانی آن نفر همچنین رفتارهای سرزده از جانب او به نحوی نبوده است که عیب‌های من را هویدا کند و من اگر هم قرار است نظر بر عیب‌های دیگران داشته باشم باید با این هنر همراه باشم که به جای گله و شکایت از روزگار، من را متوجه عیب‌هایم کند و سعی من در زدودن آن عیب در میان هزاران عیب دیگر که بسته به اتفاق دیگری بروز پیدا می‌کند. پس اگر عیبی در کسی مشاهده کردم باید شرکراز او و هستی باشم که من را متوجه ایراداتم کردند یعنی آنها که عیبی در رفتارشان مشاهده نمی‌کنم می‌توانند دوست خوبی برایم باشند، همکاری خوبی برای هم باشیم اما یقیناً نمی‌تواند معلم من باشد.

عیب در توست که در او می‌بینی. عالم همچون آینه است، نقش خود را در او می‌بینی که: الْفُؤْمُنُ مِرْآةُ الْفُؤْمَنِ. آن عیب را از خود جدا کن، زیرا آن چه از او می‌رنجی، از خود می‌رنجی.»

گفت: پپلی را آوردند بر سر چشمه‌ای که آب خورد. خود را در آب می‌دید و می‌رمید. او می‌پنداشت که از دیگری می‌رمد، نمی‌دانست که از خود می‌رمد. همه اخلاق بد از ظلم و کین و حسد و حرص و بی‌رحمی و کبر، چون در توست نمی‌رنجی، چون

عیبی در او نمی‌بینم در چشم شخص دیگر پر از ایراد است و یا چرا آن کس که به چشم من فلان ایراد را دارد از نظر دیگری آن عیب اتفاقاً حسن اوست. نگاه شمس کاملاً بر این قرار دارد که مطلقاً نباید نظر بر عیب داشت.

دیدن تصویر «خود» در «دیگری»

متن خوبی در فیه ما فیه مولانا است که به نظر من با متن بالا شباهت دارد: «اگر در برابر خود، عیبی می‌بینی، آن



ابلاغ آگهی

بدین وسیله به اطلاع خانم ثمنیه ملک زاده کلخوران فرزند عبدالعزیز،

پرستار رسمی در دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران

می‌رساند: نظر به اینکه رأی قابل پژوهش شماره ۷۶۱ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۱

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری کارمندان دانشگاه علوم پزشکی ایران مبنی بر مجازات

اخراج از دستگاه متبوع صادر گردیده و هیچگونه نشانی از ایشان در دسترس نمی‌باشد، لذا

مشارالیهها در صورت اعتراض به رأی صادره حداکثر ظرف مدت سی روز از تاریخ آگهی فوق

می‌توانند به مدیریت منابع انسانی دانشگاه مراجعه نمایند.

هیأت بدوی رسیدگی به تخلفات اداری دانشگاه علوم پزشکی ایران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی نوبت اول

شرکت تعاونی داروسازان پنجم شهریور اشراق

شماره ثبت: ۴۶۴۴ شناسه ملی: ۱۰۴۶۰۰۷۹۰۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۷/۶

بنا به تصمیم هیأت‌مدیره شرکت تعاونی، مجمع عمومی عادی نوبت اول شرکت تعاونی داروسازان پنجم شهریور اشراق در ساعت ۱۰ روز جمعه مورخ ۱۴۰۵/۸/۱ به‌صورت حضوری در محل سالن فرسام به آدرس زنجان شهرک صنعتی شماره یک خیابان آذر جنوبی نبش خیابان یکم تشکیل خواهد شد. لذا بدین وسیله از کلیه اعضای شرکت تعاونی دعوت می‌شود در تاریخ و ساعت تعیین شده با اتخاذ تصمیم به موارد مشروحه‌ذیل در مجمع مذکور حضور به هم رسانند و رأی خود را با توجه به ماده (۱۹) اساسنامه، جهت تشکیل مجمع عمومی از بین اعضای حاضر اعمال نمایند.

دستور جلسه:

- ۱- استماع گزارش مکتوب هیأت‌مدیره درخصوص عملکرد تعاونی و اقدام‌های انجام شده در سال ۱۴۰۴
- ۲- استماع گزارش مکتوب بازرس قانونی و حسابرس تعاونی درخصوص عملکرد هیأت‌مدیره و صورت‌های مالی ۱۴۰۴
- ۳- تصمیم‌گیری درخصوص طرح و تصویب صورت‌های مالی سال منتهی به ۱۴۰۴/۱۲/۲۹
- ۴- ترمیم اعضای هیأت‌مدیره و انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت‌مدیره برای مدت باقیمانده
- ۵- انتخاب بازرس/بازرسان اصلی و علی‌البدل برای سال مالی ۱۴۰۵
- ۶- تصمیم‌گیری درخصوص کاهش سرمایه به دلیل خروج تعدادی از اعضای تعاونی
- ۷- تصمیم‌گیری درخصوص تعیین خط ششی و برنامه تعاونی در سال ۱۴۰۵

توضیحات:

- ۱- اعضای که داوطلب تصدی سمت هیأت‌مدیره (صرفاً از بین اعضای تعاونی) یا بازرسی شرکت تعاونی می‌باشند باید حداکثر ظرف مدت پنج روز از تاریخ انتشار آگهی دعوت مجمع عمومی، ضمن ارائه یک قطعه عکس ۳×۴ و کپی شناسنامه و کارت ملی، گواهی عدم سوء پیشینه، تصویر مدرک تحصیلی و حکم کارگزینی جهت تکمیل فرم درخواست مربوطه از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۲ ظهر به آدرس دفتر شرکت واقع در زنجان شهرک صنعتی شماره یک خیابان آذر جنوبی نبش خیابان یکم مراجعه فرمایند. بدیهی است به درخواست‌های پس از موعد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
- ۲- اعضای محترم تعاونی جهت شرکت در جلسه مجمع عمومی بایستی شخصاً یا در دست داشتن مدارک شناسایی و مدارک مربوط به عضویت نسبت به دریافت کارت ورود به جلسه مجمع از مورخ ۱۴۰۵/۷/۰۷ لغایت ۱۴۰۵/۷/۲۹ از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۲ ظهر به آدرس مندرج در بند یک مراجعه نمایند.
- ۳- بدیهی است شرط حضور اعضا در جلسه مجمع عمومی داشتن کارت ورود به جلسه بوده و پس از اتمام مهلت تعیین شده صدور کارت ورود به جلسه مقدور نمی‌باشد.
- ۴- آن دسته از اعضای که نمی‌توانند در جلسه مجمع عمومی حضور یابند می‌توانند از مورخ ۱۴۰۵/۷/۰۷ لغایت ۱۴۰۵/۷/۲۹ از ساعت ۸ صبح تا ساعت ۱۲ ظهر به همراه وکیل خود یا در دست داشتن کارت شناسایی معتبر و مدارک عضویت به آدرس مندرج در بند یک مراجعه و ضمن دریافت و تکمیل فرم وکالتی حق حضور خود در جلسه را به نمایندة تام الاختیار خود بدهند.
- ۵- بدیهی است شرط حضور وکلا اعضا در جلسه مجمع عمومی همراه داشتن وکالت نامه و کارت شناسایی معتبر وکیل می‌باشد. ضمناً لازم به ذکر است وکالت نامه‌های مخدوش یا لاگ گرفته و فاقد مهر و امضای شرکت به هیچ عنوان دارای اعتبار نخواهد بود.
- ۶- به جهت حفظ نظم و آرامش و انضباط جلسه، تنظیم و توزیع کارت ورود به جلسه و وکالت نامه در روز برگزاری جلسه مقدور نمی‌باشد. لذا اعضای محترم مجدداً تأکید می‌گردد در روز برگزاری مجمع به هیچ عنوان وکالت نامه و کارت ورود به جلسه صادر نخواهد شد.

هیأت‌مدیره تعاونی داروسازان پنجم شهریور اشراق